

تظاهرات مردم آلمان علیه سیاست صرفه جویی دولت

برنامه صرفه جویی دولت،

محروم کردن توده های کارگر و زحمتکش و خانواده های شان از تامین اجتماعی؟

ما هزینه بحران شما را نمی پردازیم!

سیاست صرفه جویی باید متوقف شود!

پارلمان را محاصره کنیم!

علیه کاهش استانداردهای رفاه، کاهش سرانه اجتماعی و بیکاری هارتس ۴ و برای یک جامعه همبسته به پا خیزیم!

برای نشان دادن خشم جرات داشته باشیم!

روز جمعه ۲۶ نوامبر ۲۰۱۰ پارلمان آلمان آخرین دور بحث و گفتگو در باره بودجه سال ۲۰۱۱ و طرح عظیم صرفه جویی را، که در تاریخ جمهوری آلمان سابقه ندارد، در دستور کار خود داشت. بوندنیس برلین که مرکب از همه نیروهای مخالف سیاست های دولت است برای اعتراض به سیاست صرفه جویی دولت تقاضای مجوز اجتماع و راه پیمایی کرد. در بوندنیس برلین از نیروهای ضدفاشیسم و ضدسرمایه داری تا اتحادیه ها و بعضا احزاب حضور دارند اما معمولاً رویکردها و شعارهای آن را نیروهای رادیکال تعیین می کنند. با بزرگ کردن خطر تروریسم، که امروز همه چیز را با آن توجیه می کنند، سعی کردند جلوی هرگونه تظاهراتی را بگیرند، حال آن که در قانون اساسی آلمان تظاهرات به عنوان یکی از حقوق اولیه شهروندان تعریف شده است. با شکایت بوندنیس به دادگاه مجوز تظاهرات صادر شد، "ولی افتاد مشکل ها".

پارلمان چنان در محاصره پلیس از زمین و هوا قرار گرفت که گویی کودتایی در شرف وقوع است. بیش از ۱۰۰ ماشین پلیس به همراه آمبولانس و نفربر مستقر شده بودند و ۱۷۰۰ نیروی پلیس و امنیتی برلین بسیج شدند و نیروهای کمکی از شهرهای دیگر نیز فراخوانده شدند. به بهانه حضور پوتین در برلین و هم خطر تروریسم بسیاری از خیابان های منتهی به میدان براندنبورگ را، که محل اجتماع بود، بستند تا برای حضور مردم در محل تظاهرات مشکل ایجاد کنند. اما بشنوید از محل تظاهرات. در جلو دروازه براندنبورگ کامیون بزرگی را به عنوان سن آماده کرده اند و یک گروه رپ سیاسی می خواند و سیاست های دولت را به عنوان سیاست سرمایه به نقد می کشد: «این سرمایه داری است که زندگی را بر ما مشکل می کند. از دموکراسی حرف می زنند اما می خواهند حقوق دموکراتیک اولیه را محدود کنند. دموکراسی سرمایه داری یعنی همین. می گویند بیکاری پایین آمده؛ آری، اما با فرستادن کارگران به کار یک یورویی. ما ضدسرمایه داری هستیم زیرا هرچه می کشیم از سرمایه داری است». شعارهای ضدسرمایه داری با غرش هلی کوپترهای پلیس درهم می آمیزد.

حدود ساعت یازده گروه دانش آموزی با بیش از ۲۵۰ دانش آموز که به دلیل شرکت در تظاهرات، اعتصاب و تعطیل کلاس ها را اعلام کرده بودند از طرف میدان پوتسدام به محل گردهمایی می رسند. دلیل دیرکردنشان بسته بودن خیابان است. اعلام اعتصاب برای شرکت در تظاهرات را سازمان بین المللی جوانان کمونیست فراخوان می دهد و خواسته هایش را این گونه اعلام می دارد: «پاکت ویژه صرفه جویی دولت را پاره کنیم! نه به سیاست تخریب رفاه و اخراج ها! امکان دستیابی رایگان به همه امکانات آموزشی از کودکان تا دانشگاه! تامین مالی لازم و کافی برای آموزش! توقف خصوصی سازی ها، علیه رفم طرح ریزی شده برای بهداشت، بیمه بازنشستگی تا ۶۷ سال و برای تعیین یک حداقل دستمزد ساعتی ۱۱ یورویی. محاصره طبقه سرمایه دار انگل! برای کنترل کارگاه توسط کارگران و مصرف کنندگان. ثروتمندان برای بانک ها و کنسرن های بزرگ با سود های خود پردازند». با آمدن دانش آموزان تعداد شرکت کنندگان در تظاهرات به ۴۰۰۰ نفر می رسد اما پلیس آن را ۱۵۰۰ نفر اعلام می کند یعنی حتی ۲۰۰ نفر کمتر از نیروهای پلیس مستقر در منطقه، که تازه اگر درست باشد دولت باید شرم کند که این چنین از حضور مردم در صحنه دخالت گری سیاسی کشور می ترسد. معمولاً پلیس نیروهای تظاهرات کننده را به یک سوم تقلیل می دهد.

روز سردی است و اولین برف زمستانی به صورت تراشه های کوچک برف در هوا غوطه می خورد. سرما تا مغز استخوان نفوذ می کند. در جمع به دنبال چهره های آشنا و دوستان ایرانی می گردم اما متاسفانه کسی را نمی بینم. اصولاً نیروهای مهاجر مقیم در آلمان خود را با مسائل جامعه ای که در آن زندگی می کنند نمی آمیزند. اما این جا تک و توک در بین دانش آموزان چهره های غیرآلمانی ملموس است. مردان و زنان مسنی را می بینم که در این سرما در تظاهرات شرکت کرده اند و به گردنشان معمولاً نوشته ای آویزان است که در آن رفم های انجام شده در زمینه بهداشت و انداختن بار دارو و درمان و مراقبت از پیران به دوش مردم را محکوم می کند. جوانان پرشور دانشجوی خواهان لغو شهریه ثبت نام دانشگاه ها هستند و آن را به عنوان زیرپا گذاشتن حق همگانی برای آموزش محکوم می کنند. از آغاز حملات هماهنگ به حقوق اولیه مردم در اتحادیه اروپا دانشجویان خود را در یک شبکه سراسری با عنوان "جنبش بین المللی دانشجویی" و "جنبش جهانی برای آموزش" با خواست آموزش رایگان برای همه متحد کرده اند و از دانشجویان سراسر جهان می خواهند به آنان بپیوندند.*

دانش آموزان سیاست های آموزشی و اجتماعی دولت را محکوم می کنند. دانش آموز ۱۳ ساله ای که در تظاهرات شرکت کرده می گوید: همکلاسی هایی را می شناسم که چون از خانواده بیکار و هارتس ۴ بودند مجبور شدند مدرسه شان را عوض کنند زیرا نمی توانستند وسایل کمک آموزشی لازم برای این مدرسه تهیه کنند. وی ادامه می دهد: من امروز به مدرسه نرفتم تا در تظاهرات شرکت کنم و به سیاستمداران کشور بگویم که آینده کشور ما هستیم.

بیکاران هارتس ۴ سیاست های حکومت را که با آن ها مثل انسان های درجه دو اجتماع برخورد می کند محکوم می کنند اما آن چه که مشهود است حضور اندک این بخش از نیروها در تظاهرات است. اولاً بخش بزرگی از آنان را مهاجرین تشکیل می دهند و عدم علاقه آن ها به حضور سیاسی در جامعه می تواند دلیل این حضور اندک باشد. ثانیاً بخشی از مردم از تظاهرات های بیشمار و گاه میلیونی که نتوانسته در رای دولت در سیاست هایش تاثیر بگذارد ناامید شده اند و تمایلی به شرکت نشان نمی دهند. اما این درک غلطی از مبارزه است. اولاً این که دولت سرمایه داری راهی را طی می کند که برایش ضروری است تا منافع سرمایه را پاس بدارد و زمانی که در دموکراسی سرمایه داری کفه ترازوی قدرت بین سرمایه دار و طبقه کار و نیروی کار و طبقه کارگر در جهت سرمایه سنگین تر است هرچه می

خواهد می کند یعنی آن چیزی را انجام می دهد که نفس سرمایه داری است یعنی استثمار هرچه بیشتر نیروی کار، کاستن بار اجتماعی و انداختن آن بردوش توده های کارگر، تحدید آزادی های مقرر در قوانین اساسی شان و محدود کردن وحتى سلب حقوق اولیه انسانی در صورت لزوم. بنا براین برنیروی مقابل است که هرچه بیشتر در جهت محدود کردن سرمایه و درنهایت به سمت خلع قدرت از وی، در صحنه اجتماع فعال باشد. پاسیو بودن در مقابل فشارها چاره کار نیست و فشار را رسمیت می دهد که در این صورت تک تک ما در برابر آن مسئولیت داریم و باید پاسخگو باشیم. مهم نیست که آن ها که در قدرت اند چه می کنند مهم این است که پاسخ ما به آن ها چیست و چه اندازه به آن ها برای قدرت نمایی امکان می دهیم و به اعمال آن ها با بی توجهی خود و یا با نظارگر بودن صرف مشروعیت می بخشیم. دموکراسی می گوید تو شهروند حق داری که در انتخاباتی که ما برگزار می کنیم شرکت کنی و یکی از کارگزاران ما را به عنوان نماینده خود به پارلمان بفرستی. در فاصله کوتاهی تا انتخابات ما مهم می شویم. همه می خواهند به ما خدمت کنند. خدمتگزاران در مصاحبه ها و نوشته ها و سخنرانی ها با خواهش و تمنا از ما دعوت به شرکت در انتخابات می کنند و قول های بی پایان خدمت می دهند. با وجود تجربه چند صد ساله باز هم بخشی از ما به هردلیل؛ ناآگاهی، توهم و یا خوش باوری یا... به آن ها رای می دهند. فردای انتخابات دوباره ما هیچ می شویم. خس و خاشاک می شویم و کسی برای ما تره هم خورد نمی کند. اما در مقابل عده ای محق می شوند که برای سرنوشت ما، برای گذران زندگی ما، برای آینده ما و برای بود و نبود ما و منابع و مصالح جامعه ما تصمیم بگیرند بدون این که پاسخگوی ما باشند. حداقل باید این طور باشد که اگر آن ها در مقابل خواسته های ما قرار می گیرند و حقوق ما را درو و ضایع می کنند، این قدرت را داشته باشیم که آن ها را از نمایندگی خلع کنیم. اما خلع قدرت از خلع کنندگان قدرت توده ها کار سرمایه داری نیست.

یا اگر رژیم می مثلا در ایران برای زهرچشم گرفتن از مردم در ملا عام چوبه های دار برپا می دارد آن که به تماشا می ایستد هم باید پاسخگو باشد، حتی اگر بخواهد فیلم بگیرد و در اینترنت قرار دهد. اگر حقوق اولیه انسانی حتی کوچکترین شان چون حق پوشش از انسان سلب می شود و انسان ها به دلیل آن در ملا عام مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و دستگیر می شوند، علاوه بر رژیم و نیروهای سرکوب، مردمی نیز که اجتماع می کنند و با وجود مخالف بودن تنها به انتظار پایان ماجرا می نشینند و خشونت و حق کشی را نظاره می کنند، مقصرند. باید این بحث در اجتماع پا بگیرد و به آن پرداخته شود تا دیگر شاهد یکه تازی نیروهای سرکوب نباشیم و ترس شان از اعمال قدرت ما آن ها را منفعَل کند.

به تظاهرات برگردیم. صدای شعارها در جلوی در پارلمان نیز به خوبی شنیده می شد اما در درون آن بی توجه به خواسته مردم بودجه دولت و سیاست صرفه جویی اش برای سال ۲۰۱۱ با ۳۲۳ رای مثبت در مقابل ۲۵۳ رای منفی به تصویب رسید. خانم مرکل رئیس دولت می گوید «سیاست های ما درست است. اقتصاد رشد می کند. شمار بیکاران پایین آمده است و به زیر سه میلیون نفر رسیده است و می شود در سال های آتی به رشد معقول امیدوار بود.» اما او نمی گوید که ۳۰۰ هزار کارگر ساعتی یک یوری و هرکسی را که در هفته یک ساعت کار کند و تمام نیروی کار از ۵۸ سال به بالا را که باید تا پانزده سالگی ۹ سال دیگر کار کنند از لیست بیکاران خارج کرده است. نمی گوید که اکنون از هر ۶ آلمانی یک نفر فقیر است و فقر توده ها در کشوری که ۸۰۰ هزار میلیونر وجود دارد رو به افزایش است. جنگ زرگری بین احزاب بالا می گیرد. سوسیال دموکرات ها و سبزه ها که خود در حکومت ائتلافی شان بنیان گذار رفم ها و سیاست صرفه جویی بودند بدون نقد کارهای گذشته خود اکنون مخالف شده اند و مسلم است که اگر در

انتخابات بعدی که در راه است توازن برقرار شود باز هم چون دوره قبل به ائتلاف بزرگ اقدام خواهند کرد و با همین حزب حاکم دوباره هم کاسه خواهند شد. به همین دلیل نماینده حزب سوسیال دموکرات برای CDU دل می سوزاند و می گوید «آن ها هیچ سیاستی را که بشود جمعی عمل کرد آماده نکردند بلکه درون جامعه انشقاق ایجاد کردند. این حکومت هرج و مرج بدون پایان است و آن ها در کمتر از یک سال اعتماد مردم به خود را از دست دادند.»

حزب سبزه‌ها با بالا رفتن آرایش در میان مردمی که هیچ چشم اندازی خارج از احزاب و شیوه های سنتی نمی بینند و همواره بین دو جریان انتلافی نوسان دارند، سعی می کند با شرکت در مجامع مردمی که معمولاً مستقل است مثل تظاهرات ضد اتم یا تظاهرات علیه اشتوتگارت ۲۱ و همین تظاهرات ضد سیاست صرفه جویی جای بیشتری برای خود در جنگ قدرت باز کند و بتواند آرای را که دو حزب بزرگ از دست می دهند به دست آورد تا در ائتلاف های آتی نقش تعیین کننده داشته باشد. *رئاست کونست* یکی از رهبران حزب سبزه‌ها این سیاست CDU را یک سیاست مسیحی می خواند که صرفه جویی را در مورد فقیرترین ها به کار می گیرد. این موضع گیری مسلماً خوشایند سرمایه داران قرار خواهد گرفت، زیرا توپ را از زمین آن ها خارج می کند و سرمایه داری و پیامدهای نظام سرمایه داری را از زیر ضرب بیرون می کشد. درست مثل تحلیل کسانی که در ایران سیاست های حاکم را سیاست های آخوندی قلمداد می کنند.

حزب چپ آلمان که در تظاهرات به طور فعال حضور دارد نماینده اش *گزینه لوتشج* می گوید «مجموعه این سیستم لابی یعنی لابی بانک ها؛ لابی شرکت های دارویی، لابی کنسرن های اتمی، لابی پزشکان و شرکت های عظیم بیمه سبب اتخاذ یک سیاست شرم آور و ریاکارانه شده است سیاستی که نابخشودنی است.» اما واقعیت این است که لابی گری در سیستم سرمایه داری شایع است و اصولاً احزاب سرمایه داری لابی بخش های مختلف طبقه سرمایه دارند که از مجموعه آن ها سرمایه داری حاکم شکل می گیرد. *گیری می گوید:* «برای بانک ها میلیاردها یورو کمک نجات فراهم می شود اما از هزینه های اجتماعی کاسته می شود و در مقابل مخالفان این سیاست سرکوب و دستگیر می شوند.»

اما این پاکت ویژه صرفه جویی یا سیاست صرفه جویی چیست؟

این پیشنهاد ویژه مجموعه ای است متناقض از بذل و بخشش ها و همزمان سخت گیری و کاهش ها. از یک طرف، از کیسه مردم میلیاردها دلار تحت عنوان سیاست چتر نجات به حساب بانک ها واریز می شود. به مگا کنسرن ها کمک های مالی و تخفیف های مالیاتی می دهد و کیسه لابی ها را پرمی کند. از طرف دیگر، از سفره کارگران و بیکاران می دزدد. می گذارد شمار فقرا و زیندگان زیرخط فقر بالا و بالاتر برود و راه ترقی و تحصیل جوانان را مسدود می کند. کارگران را به بیگاری می کشد و از ترس از دست دادن کار وادار به قبول خفت اضافه کاری رایگان یا افزایش ساعات کار بدون افزایش دستمزد می کند و از طرف دیگر از پرداخت حداقل پول برای بیمه بازنشستگی کارگران بیکار که آن ها را به نفع کارفرماها وادار به کار ساعتی یک یورو می کند، ظفره می رود. دولت می خواهد تا سال ۲۰۱۴ هشتاد میلیارد یورو صرفه جویی کند تا از بحران بدهی ها خلاص شود، بدهی هایی که نه برای مردم بلکه برای حمایت از بانک ها و کنسرن ها ایجاد شده است. بیش از ۱۱ میلیارد آن برای سال ۲۰۱۱ است. خانم مرکل می گوید: «زمان سختی است. ما می خواهیم سوراخ بزرگ سیستم مالی را پرکنیم.» معلوم است چگونه؛ با تقلیل بودجه های اجتماعی از قبیل بودجه آموزش، بودجه بهداشت و درمان، بودجه مراقبت از سالمندان، بودجه فعالیت های فرهنگی، بودجه ادارات کار و بودجه شهرداری ها و با افزایش مالیات بردرآمد اما به ضرر نیروی کار و مالیات

بر ارزش افزوده و مالیات غیرمستقیم که نتیجه اش می شود افزایش افراد زیر خط فقر و کاهش حداقل استاندارد زندگی. روی دیگر این صافه جویی ۲/۳ میلیارد کمک یارانه ای به کنسرن های انرژی، ۲ میلیارد به بانک ها، یک میلیارد به شرکت های هواپیمایی، کاهش مالیات بر ارزش افزوده هتل ها و در مجموع سالانه ۲۰ میلیارد کمک مستقیم یا بخشش مالیاتی به شرکت هاست.

بنا به گزارش روزنامه کلار Klar متعلق به فراکسیون حزب چپ، بازنندگان و برندگان این صافه جویی مشخص اند. بازنندگان عبارتند از افزایش سه دهم درصدی سهم بیمه بیماری به اضافه پرداخت ماهانه ۸ یورو دیگر به صندوق شرکت های بیمه که همه حتی دانشجویان نیز باید آن را بپردازند. هم چنین از ماه ژانویه سهم کارگران برای پرداخت بیمه بیکاری ۲ دهم درصد افزایش می یابد. ماهانه ۲۴ یورو از کمک برای کرایه خانه و گرما برای کسانی که معمولاً حداقل در آمد جامعه را دارند کاسته می شود. از ۵۱۵ یورو پولی که ماهانه برای پرورش کودک به والدین بیکار مشمول در هارتس ۴ داده می شود، ۳۰۰ یورو کاسته می شود و به ۲۱۵ یورو تقلیل می یابد. البته در مقابل، دولت با گشاده دستی تمام تصمیم گرفته است که ماهانه ۵ یورو درآمد بیکاران را افزایش دهد. ۱۰.۰۰۰ نفر در بخش عمومی کار خود را از دست خواهند داد و در آمد بقیه نیز ۲/۵ درصد کاهش خواهد یافت. بلیط شرکت های هواپیمایی از اول ژانویه بین ۱۰ تا ۵۰ یورو افزایش خواهد یافت زیرا کل مالیات پرواز نه از شرکت هواپیمایی بلکه از مسافران دریافت خواهد شد.

در مقابل، چه کسانی از این صافه جویی سود می برند: نرخ بالای مالیات ۴۲ درصدی برای درآمدهای از ۴۳۰۰ یورو در ماه ثابت باقی می ماند اما افراد خیلی ثروتمندتر هم همین مقدار مالیات می پردازند. این بدین معنی است که دارندگان درآمد حداقل و حداکثر در این گروه که تفاوت درآمدهایشان می تواند صدها هزار یورو باشد نرخی برابر باهم در پرداخت مالیات دارند. کنسرن های انرژی به ویژه مگانکسرن های اتمی که زمان استفاده از آن ها طبق قانون جدید بین ۸ تا ۱۴ سال اضافه شده است با قیمت برق ثابت فعلی ۶۷ و در صورت افزایش قیمت برق ۱۲۷ میلیارد یورو سود خواهند برد. بانک ها و شرکت های بیمه در این طرح ۲ میلیارد منافع کسب خواهند کرد. مخارج دولت برای آن ها به خاطر بحران مالی حداقل ۱۰۰ میلیارد یورو خواهد بود. با پشتیبانی لابی هتل ها در دولت که آن را حزب لیبرال اف.د.پ. نمایندگی می کند، هتل داران به خاطر کاهش مالیات بر ارزش افزوده - در این جا روی این که ارزش افزوده چیست بحثی نمی کنیم - سالانه یک میلیارد سود خواهند برد. مالیات بر ارث زمانی که کارفرمایی بمیرد برای فرزندانش صفر خواهد بود، یعنی آن ها مالیاتی نخواهند پرداخت.

چنان که می بینیم سیاست های سرمایه واضح، جهت دار، هدف دار و وزین است و جای ابهامی باقی نمی گذارد مگر آن که بخواهیم چشم خود را برواقعیت ها ببندیم و آن را به این یا آن جناح سرمایه نسبت دهیم تا همواره راه گریزی برای خروج سرمایه داری از بحران وجود داشته باشد و کل سیستم بتواند پابرجا بماند. مهم نیست که این واقعه در کجای دنیای سرمایه داری رخ می دهد و چه جناحی از سرمایه یا اقلشاری از سرمایه داران سکان دار آن هستند.

فریده ثابتی، اول دسامبر ۲۰۱۰

http://www.emancipating-education-for-all.org/ism_de -*

منابع: SPIEGEL ONLINE Klar, Nr.19 و منابع دیگر